

شیوه‌های سر مقاله‌نویسی

ترجمه: قاسم طلوع

● اکثر

روزنامه‌های مهم، گروهی

روزنامه‌نگار جوان و پرکار را در اختیار

دارند که به موقع سرمقاله‌های ارزشمند و

مهمی انتشار می‌دهند، افشاگری می‌کنند، به استهزا

می‌گیرند، مورد بحث قرار می‌دهند، و در

یک کلام وظیفه‌ای را انجام می‌دهند

که صفحه‌های سرمقاله

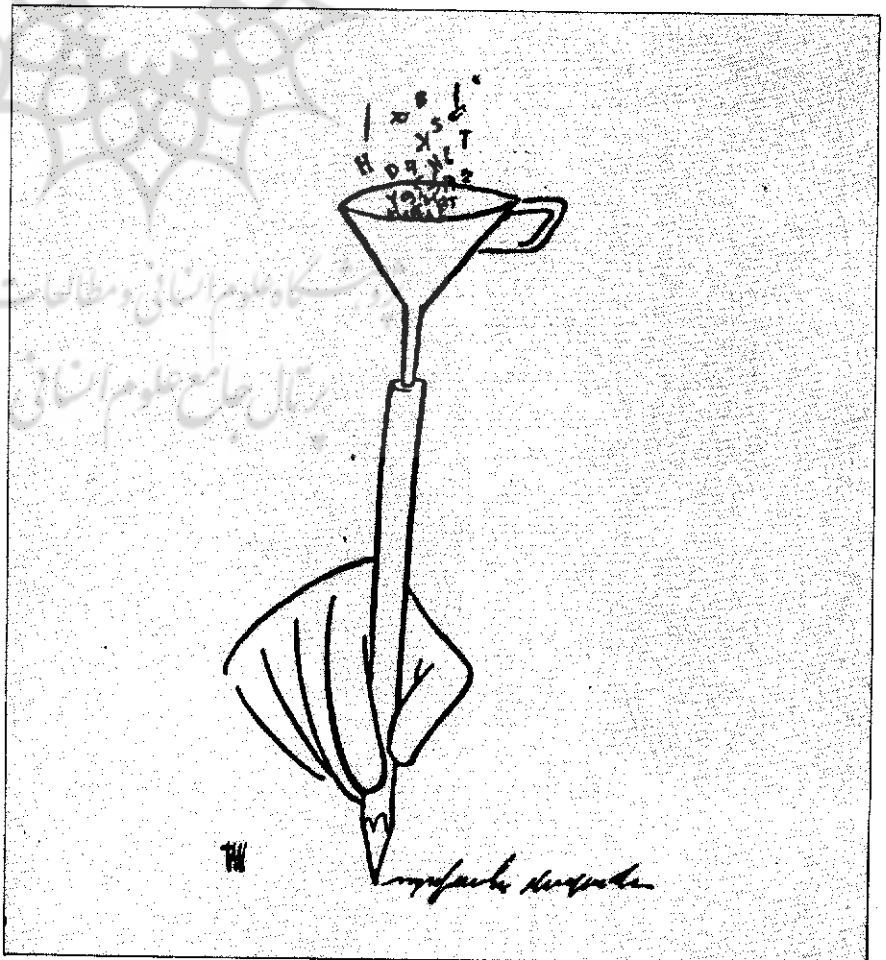
باید انجام

دهند.

در بسیاری از ایستگاه‌های رادیویی، اداره‌هایی مثل «گروه ترافیک خبری»، «گروه تولید»، یا «گروه مهندسی» توسط یک نفر گردانده می‌شوند. البته اگر واقعاً یک نفر بتواند این کارها را انجام دهد، اعتراضی نیست، در بخش تحریریه نیز ممکن است فقط یک صاحب امتیاز یا مدیر امور عمومی کار کند، و یا گروهی از متخصصان در آن حضور داشته باشند که کوشش گروهی آنها به نتیجه مهمتری منجر شود.

کمیت به خودی خود کیفیت‌آفرین نیست. و آلن وایت با سرمقاله‌های آتشین خود در مجله گارت امپوریا (در کانزاس) این حرف را ثابت کرد. وایت به «حکیم امپوریا» معروف بود و در سال ۱۹۲۳ جایزه پولیتزر را به خاطر سرمقاله‌نویسی برد. یکی از سرمقاله‌های او با عنوان «در کانزاس چه خبر»، به وسیله حزب جمهوریخواه تجدید چاپ و منتشر شد و اعتبار زیادی در انتخاب ویلیام مک‌کینلی به ریاست جمهوری آمریکا، کسب کرد.

یک ایستگاه رادیویی در یک منطقه کوچک، در صورتی که صاحب امتیاز آن از ته دل به اجتماعش علاقمند باشد، می‌تواند سرمقاله‌های بسیار خوبی ارائه دهد. حداقل، او می‌تواند گزارش‌های خبری یا روزنامه‌های خارج را مطالعه کند، و سپس با اطمینان بیشتری دولت و کارگزاران محلی را هدف قرار دهد. البته لزوماً این صحبتها به نتیجه نخواهد رسید، اما ممکن است برای نمایندگان دولت، روشنگر باشد. آیا صاحب امتیاز باید در مقابل جناح‌بندیهای حزبی «بی‌طرف» بماند؟ یا باید به گروه «از ما



بهران» بیبوند و فلسفه خاصی را در پیش گیرد؟ البته مسئول بی طرف در انتقاد از «خودی» و غیر «خودی» در امور دولت آزاد است. اما مسئولی که به فلان یا بهمان جناح وابسته است، اغلب به خاطر آشنایی بیشتر و نزدیکی با اتفاقات، سرمقاله‌های شدیدتری ارائه می‌دهد. این حکم به شدت به وسایل خبری در دسترس فرد و به شعور او بستگی دارد.

گوردن مک‌لندن هرگز در سرمقاله‌هایش وابستگی به حزب سیاسی خاصی را نپذیرفت، گرچه همیشه از یک دیدگاه محافظه کارانه حمایت می‌کرد. او در انتخابات مجلس سنای آمریکا به عنوان یک محافظه کار در مقابل کاندیدای جناح چپ، سناتور رالف یار بورو، عمل می‌کرد. او در عین حال که فلسفه محافظه کارانه‌اش را در سرمقاله‌هایش بیان می‌کرد، هرگز به سادگی نمی‌توانست حزب ناسیونال را کاملاً بپذیرد یا خودش را تابع جناح‌بندیهای سیاسی محلی یا دولتی کند. افکار محافظه کارانه یا فعالیت برای سنای آمریکا مک‌لندن را از لیست «بی طرفها» خارج نمی‌کند. او هنوز هم خود را در انتقاد از مخالفینش آزاد حس می‌کرد.

سردبیر یا ناشر روزنامه یک شهر کوچک نیز اساساً با همین مسئله مواجه می‌شود که با کارمندان اندک، چگونه سرمقاله‌های مؤثری بنویسد و بی طرف هم باقی بماند. همکاران او در شهرهای بزرگ گروهی سرمقاله نویس با ادارهای خصوصی و منابع اطلاعاتی واقعا نامحدود، در اختیار دارند. در موارد بسیاری، این سرمقاله نویسها، گزارشگران مستی هستند که برای به پایان رساندن روزهای فعالیت قبل از بازنشستگی، در دفتر تحریریه وقت می‌گذرانند. قلم این افراد قدیمی گاهی سنگین و غیر قابل فهم است، ولی تعهد روزنامه را به چاپ صفحه سرمقاله سنتی، برآورده می‌سازد. یک بار یکی از ویراستاران می‌گفت: «جو هنوز هم مشغول کار است، هر روز در همان ستون مطلب می‌نویسد. اما خدا مرا لعنت کند اگر بفهمم که او راجع به چه چیزی صحبت می‌کند.» البته منظور این نیست که چنین بخشهایی را محکوم کنیم، اکثر روزنامه‌های مهم، گروهی روزنامه نگار جوان و پسرکار را در اختیار دارند که به موقع سرمقاله‌های ارزشمند و مهمی انتشار می‌دهند، افشاگری می‌کنند، به استهزا می‌گیرند، مورد بحث قرار می‌دهند، و در یک کلام، وظیفه‌ای را انجام می‌دهند که صفحه‌های سرمقاله باید انجام دهند.

صاحب امتیاز یا ناشر شهر کوچک این مسئولیت را به عهده دارد که تا حد امکان نقشهایی را که در ادارات شهر بزرگ ایفا می‌شود، اجرا کند. نمی‌توان به سادگی به بهانه اینکه «من فعلاً وقت ندارم»، از زیر بار رهبری شانه خالی کرد.

گرچه بسیاری از سرمقاله نویسان، دارای سابقه گزارشگری هستند، این نوع آموزش و تجربه برای نوشتن یا بخش سرمقاله‌های روزنامه‌های یا رادیو تلویزیونی، اساسی نیست. یک نفر با سابقه خبری ممکن است برای چنین کاری، در منزل بیشتر احساس راحتی کند. حال آنکه ویژگی واقعا لازم برای یک سرمقاله نویس عبارت است از داشتن حس قوی برای تشخیص مشکل اجتماع و سینمای که آن را جلو بدهد و در مورد آن مشکل

صحبت کند. برخی ایستگاهها که مدیریت آن وقت و استعداد سرمقاله نویسی را ندارند، به یک نویسنده خارجی پول می‌دهند تا تحقیق کند و سرمقاله‌ای بنویسد. خیلی از گزارشگران خبری، به خاطر پول زیاد، برای این نوع کارها سرودست می‌شکنند.

صاحب امتیازی که به وظایف خود تحت قواعد و سیاستهای کمیسیون فدرال ارتباطات^(۱) آشناست، بدون در نظر گرفتن تحصیلات و آموزشهای لازم، با همان دل و جرات همکار روزنامه‌ای پا به عرصه می‌گذارد. اگر او بخواهد از راه سرمقاله نویسی معمولی رهبر اجتماع شود، فقط باید قوانین را مطالعه کند و قبل از باز کردن میکروفن، چند مطلب را آماده کند. اهداف و فلسفه «بخش تحریریه» یک نفره با بخشهایی که چندین میلیون دلار بودجه و تسهیلات در اختیار دارند و می‌توانند نیروی انسانی و تشکیلات عظیم داشته باشند، تفاوتی ندارد. بخش تحریریه ایده‌آلی، که در اینجا توصیف شد، وجود خارجی ندارد. به منظور ساختن مدلی که برای ایستگاههای بزرگ قابل استفاده باشد، و در عین حال راهنمایی باشد برای مسئولان ایستگاههای کوچک که نیروی انسانی و تجهیزات زیاد در اختیار ندارند، این بخش ایده‌آل را از ترکیب ایستگاههای متعدد درست کردیم.

* دپارتمان امور عمومی

شهر فرضی ما جمعیتی در حدود یک میلیون نفر دارد. در این شهر، سه ایستگاه VHF TV وجود دارد که با شبکه‌های اصلی مرتبطند، به اضافه یک ایستگاه VHF و دو ایستگاه UHF مستقل. کاتال ۱۳ در اختیار بنگاه سخن پراکنی عامه (P.B.C.) است. ۱۶ ایستگاه رادیویی AM و FM با سیگنالهای اولیه به منطقه سرویس می‌دهند، در حالی که ایستگاههای حوزه‌های خدماتی دیگر، سیگنالهای «قابل شنیدن» در داخل شهر را ارسال می‌کنند. هیچ یک از این امکانات تا به حال یک سرمقاله جدی بخش نکرده است، و دومین روزنامه بزرگ شهر با تنها رقیبش ادغام شده است.

روزنامه‌های مشترک صبح و بعدازظهر، به اسم موافقتنامه ادغام، همچنان در دو روزنامه منتشر می‌کنند منتها در یک ساختمان و تحت سردبیری مجموعه انتشاراتی واحد. فرماندار شهر، سال به سال توسط انجمن محلی به نام C.G.A انتخاب شده است. هیچ کاندیدای ترقیخواهی تا به حال شانس انتخاب را به دست نیاورده است، و این نشان دهنده بسته بودن رهبران CGGA است. مدیران شرکتی که روزنامه مشترک شهر را منتشر می‌کند، بیران کارگشته CGGA هستند و ۲۵ سال است که حاکمیت شهر را در دستان خود دارند. شورای شهر، تحت رهبریهای داهیانه و پدران CGGA، توانسته است جلوی اجرای طرحهای مربوط به مدرنیزه کردن هر چیزی را از اداره پلیس گرفته تا زندان شهر بگیرد. رهبران CGGA به آرامی ولی به نحو مؤثری این را به فضولها فهماندند که «این شهر خودمان است و هر طور که...»

دلما ن بخواهد آن را اداره می‌کنیم.» یکی از صاحبان امتیاز اصلی VHF TV یک بخش AM-FM را نیز در اختیار دارد و

مطالعه‌اش در مورد مسایل اجتماع، آن طور که کمیسیون فدرال مشخص کرده، تکمیل کرده است. حروف شناسایی^(۲) این مسئول عبارتند از KXXX-TV-AM-FM و ضمناً CGGA او را به عنوان یک «بیگانه» می‌شناسد. تحقیقی که ابتدا به وسیله این صاحب امتیاز و سه تن از مدیران امور عمومی او، در اجتماع انجام گرفت، شامل ۲۰۰ نفر از به اصطلاح «رهبران اجتماع» از تمامی مراحل حیات اجتماع می‌شد. این تحقیق، مسایل و شکایات زیر را آشکار می‌کند:

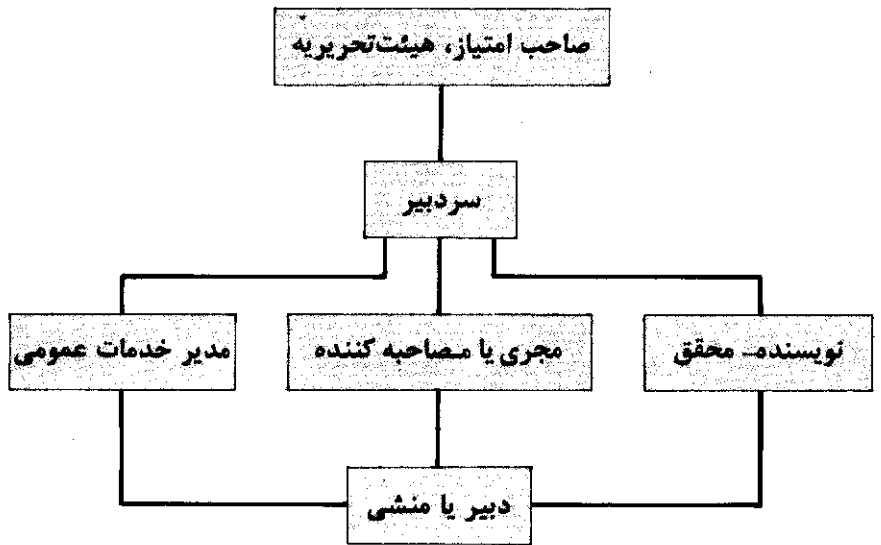
- ۱- امکانات تفریحی ناکافی و ناقص شهر.
- ۲- آلودگی هوا که اساساً ناشی از دو کارخانه محلی بود.
- ۳- جلسات اجرایی غیرقانونی شورای شهر.
- ۴- روزنامه‌های محلی همیشه فرمانداری شهر را نادیده می‌گیرند، و اغلب حتی قادر به ذکر مخالفان سیاسی آن نبودند.
- ۵- بی‌عدالتی در سیاستهای ارزیابی دارایی.
- ۶- تبعیض در امور استخدامی شهر.
- ۷- سرویس‌گذاری بر رسواییهای پلیس توسط رسانه‌های جمعی شهر.
- ۸- فرمانداری شهر قوانین سختی بر اداره آموزش و پرورش اعمال می‌کند.
- ۹- امتناع فرمانداری از استفاده از سرمایه‌های فدرال در سازندگی و تجهیزات.
- ۱۰- استفاده از شیوه‌های مشکوک در اعطای قراردادهای سازندگی.

مشکلات بسیار دیگر نیز از طرف «رهبران» اجتماع و اعضای جامعه که مورد بررسی قرار گرفته بودند، مطرح شد، از جمله: مسکن کم‌هزینه، حمل و نقل عمومی، امکانات عمومی با کیفیت پایین و هزینه‌های بالا، و فقر. اما ۱۰ مشکلی که در بالا ردیف شد، عمدتاً از طرف مصاحبه‌شوندگان مطرح شده بودند. مسئول مورد نظر ما، که خود را موظف به ارائه برنامه‌های می‌داند که حداقل «کمکی برای حل» مسایل باشد، تصمیم می‌گیرد که به بیان مسایل حل نشده، اجتماع بپردازد و بیشتر وقت ایستگاههای خود را وقف این کار کند. به علاوه، او شنیده است که گروهی از «بیگانگان» همکار، برای تجدید پروانه کار در زمینهایی که او (وسایر بنگاه‌های سخن پراکنی محلی) نیازها و علایق شهروندان را برنیاوردانند، ممکن است با او به مبارزه برخیزند. بادر نظر گرفتن این نکته، او طرح زیر را برای مدیران امور عمومی تنظیم می‌کند:

اهداف

هدف KXXX از ایجاد دپارتمان امور عمومی، عبارت است از تامین یک دیدگاه تحریریه‌ای دیگر برای شهروندان حوزه تحت پوشش ما، و همین طور فراهم کردن وسیله‌ای که از طریق آن بتوان مهمترین مسایل اجتماع را آزادانه و با امانتداری بحث کرد. مسئولیت این دپارتمان عبارت خواهد بود از: (۱) ارائه گزارشهای تحقیقی، (۲) توسعه مواد خبری و سرمقاله‌های برای بخش، (۳) بررسی و شناخت مخالفان با ارزش، (۴) تهیه و طرح ریزی آگهیهای خدمات عمومی، (۵) اجرای یک تحقیق دنباله‌دار در مورد مسایل اجتماع، و (۶) افزایش وسایلی که به وسیله آنها، KXXX بتواند مسایل را از طریق امواج صوتی و تصویری یا طرق دیگر،

و مدنی، تجربه در امر دبیری، و سخنگویی گروه داشته باشد. تلاش اصلی مدیر خدمات عمومی عبارت خواهد بود از گسترش امکانات خدمات عمومی پخش. این کار، شامل تنظیم لیستی از سازمانها و موسسههایی که نیازمند زمان نمایش کار با رهبران محلی برای افزایش آگهیهای بامعنی و سودمند هستند، می شود. هیچ مطلب اضافی (PSA) «سربرستهای» پخش نخواهد شد، هر مطلب اضافی یا مطلبی محلی خواهد بود یا گوشه چشمی بدان خواهد داشت، و صرفاً در اتاق تولید KXXX، تحت مدیریت مدیر مربوطه (PSD) تهیه خواهد شد. مدیر خدمات عمومی، دعوتهای سخنرانی عمومی را خواهد پذیرفت و نظرات مدیریت ایستگاه را بیان خواهد کرد، ضمناً در سایر جلسهایی که در آنها راجع به مسایل مهم عمومی بحث می شود، حضور خواهد یافت.



چارت سازمانی یک دپارتمان نمونه امور عمومی

نویسنده محقق

سابقه این فرد باید شامل تجربه در گزارشگری روزنامه یا رادیو- تلویزیون، آموزش رسمی روزنامه نگاری و توانایی کشف واقعیت و گزارش دقیق آنها بشود. تجربه در گزارشها یا تحقیقات پلیسی نیز سودمند خواهد بود. این شخص تحت رهبری و نظارت سردبیر عمل خواهد کرد. مسئولیت او شامل تحقیق و نوشتن سرمقاله و جمع آوری اطلاعات برای استفاده مجری می شود. یک نویسنده محقق باید بتواند مصاحبههای تلویزیونی، چه در محل و چه در استودیو را رهبری کند.

منشی، دبیر

سابقه این شخص باید شامل تجربه در منشی گری، ترجیحاً در رادیو-تلویزیون یا هیئت دولت باشد. منشی باید تمام مهارتهای منشی گری را بداند و بتواند در تعطیلات و به طور فوق العاده کار کند. وظایف او عبارتند از: ارتباط با تمام اعضای دپارتمان، نگهداری فایل های دپارتمان، همکاری در تحقیق و نوشتن، در صورت لزوم، و اطمینان یافتن از اینکه همه اعضای هیئت تحریریه قبل از پخش سرمقالهها، آنها را تصویب کرده اند. منشی با پرسنل برنامه های رادیو- تلویزیونی در طرح ریزی و سرمقاله های خبری و برنامه های امور عمومی هماهنگی خواهد کرد.

مسئلاً، این سرفصلهای مفصل، برای سرمقاله نویسی موفق و مفید، امری اساسی به شمار نمی روند. بسیاری از مسئولان و مدیرانی که برای این متن، مورد مصاحبه قرار گرفتند، دارای چنین سیاستهای رسمی یا اعلام شده ای نبودند. آنها به راحتی نقشهای رهبری در اجتماع خویش را فرض می کنند و به دنبال وظایف خود می روند. اساساً شیوهها و وسایل سرمقاله نویسی با صاحب امتیاز است.

آگاه باشد. سن، جنس، نژاد، یا مذهب ملاکهای مهمی در انتخاب مدیریت نیستند. سردبیر باید به خوبی با قوانین کمیسیون فدرال ارتباطات و سیاستهای مربوط به سرمقاله نویسی و برنامه ریزی و امور عمومی آشنا باشد، اساساً کار سردبیر این است که «شیوهها و وسایل» ارائه شده در این یادداشت را به کار گیرد. او بر کار مدیر خدمات عمومی، مجری مصاحبه گر، نویسنده محقق و منشی نظارت خواهد کرد. به علاوه، او شخصاً مواد لازم را برای سرمقالهها، رهبری تحریریه، و اسناد و مدارک فراهم خواهد کرد.

مجری مصاحبه گر

این فرد باید سابقه مجری گری در نمایشها داشته باشد. او باید مسایل اصلی انسان را خوب خوانده و فهم عمیقی از آنها داشته باشد. او باید سخنوری بداند و بتواند «وقت گش» هایی را که تلفن می زنند، طوری که ناراحت نشوند، دست به سر کنند. مجری در بسط موضوعات برای بحث در جنگ شبانه، مستقیماً با سردبیر و هیئت تحریریه کار خواهد کرد. او نسبت به مدیریت، مسئول است که به هر دو طرف موضوع مورد مناقزه اطمینان دهد که نظراتشان پخش خواهد شد. مجری هر از چند گاهی، طرف یکی از مخالفان را خواهد گرفت. وقتی این کار عملی نباشد، مجری، مهمانانی را به استودیو دعوت می کند تا موافق و مخالف موضوع بحث کنند. اگر این هم ممکن نباشد، مجری موضع مخالف را خواهد گرفت، و نظرات آنها را بیان خواهد کرد. مجری، بدون تصویب سردبیر و هیئت تحریریه، حق «موضع گیری» ندارد. اگر سردبیر به مجری اجازه دهد که گاه و بیگاه، نظرات خودش را بیان کند، مجری باید این را بفهمد که قبل از هر چیز او داور بحث عمومی بین شنوندگان و بینندگان است.

حل کند. در صورت لزوم، KXXX قسمتی را در نشریه های محلی برای انجام تحقیقات در بین کسانی که از رادیو- تلویزیون استفاده نمی کنند، خواهد خرید و بروشورهایی را آماده و پخش خواهد کرد که نه تنها منعکس کننده میزان فعالیتهای ما در امور عمومی است، بلکه دستاوردهای دپارتمان را به خاطر مصالح اجتماع نشان خواهد داد. به طور کلی، دپارتمان ما به صورت منبع اعتماد و نیش زهر آلود شهروندان در خواهد آمد، و هر کس را که بخواهد حکومت را به صورت یک «امر شخصی» در آورد، اذیت خواهد کرد. دولت یا جامعه هیچ حوزه مقدس و دست نیافتنی ندارد و ما تمام آنها را فتح خواهیم کرد.

اعضای یک هیئت تحریریه غیر رسمی عبارتند از سه مدیر عمومی، مدیران اخبار، مدیران طرح و برنامه، و مدیر مسئول. تمام سرمقالهها قبل از پخش باید به تصویب هیئت برسند، و ضمناً عناوین سرمقالهها و امور عمومی پیشنهاد شده از طرف هیئت نیز باید به ملاحظه مدیر پخش تحریریه برسند. در صورت وجود جلسه های رسمی، هیئت دخالتی نخواهد داشت. نظر همه اعضا در مورد سرمقاله های پیشنهادی و پروژهای مربوط به امور عمومی باید مطرح شود. حرف آخر در مورد تمام موضوعات عمومی، حرف صاحب امتیاز خواهد بود.

مدیریت دپارتمان امور عمومی به عهده سردبیر خواهد بود که از نظر مقام و مرتبه با سایر ریسان، دپارتمان (مدیر اخبار، مدیر طرح و برنامه، و دیگران) مساوی خواهد بود، و مستقیماً به مدیر عمومی KXXX-TV گزارش خواهد داد. مدیر خدمات عمومی، مجری مصاحبه گر، یک نویسنده محقق، و یک منشی، کارمندان هیئت محسوب می شوند. منابع گروه اخبار و طرح و برنامه در دسترس سردبیر خواهد بود.

سردبیر

سردبیر باید در روزنامه نگاری، روابط عمومی و گزارشگری سیاسی سابقه داشته باشد، و به اجتماع و حیات اجتماعی و سیاسی آن کاملاً

پانوشتها

۱- FCC. ادارای است در دولت آمریکا که مسئول تنظیم ارتباطات برون مرزی و بین ایالتی می باشد.

Call Letters. حروف یارقام مشخص کننده یک ایستگاه

براکت-۴

مدیر خدمات عمومی

باید سابقه روزنامه نگاری، مددکاری اجتماعی